

نقش استراتژیک دولت محلی در تحقق الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت

مصطفی مظاهری*^۱

چکیده

برنامه ریزی و نگاه به آینده از الزامات هر کشور و نظام سیاسی حاکم بر آن است. مسلماً داشتن استراتژی هدفمند برای آینده، نیازمند اصول و اتخاذ روش‌ها و تدابیر بهینه و هوشمند است. سند چشم‌انداز و افق پیشرفت و تحقق آن، یکی از اهداف عالییه حکومت ایران، برای مدیریت بهینه سرزمینی و توسعه آتی کشور در سطح منطقه است. ولی آنچه حائز اهمیت است روش‌های رسیدن به اهداف سند و تحقق الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت است. واضح است واقعیت یافتن چنین الگوی مهمی، مستلزم داشتن اهرام و نیروهایی است که اهداف لازم را عملی سازد. یکی از این نیروها، دولت محلی و نقش‌سازنده و مکمل آن با حکومت مرکزی است. ایران با تنوع جغرافیایی- فرهنگی و مذهبی موجود، در درجه اول نیازمند یک اتحاد و مشارکت جمعی در اداره و مدیریت امور سرزمین در ابعاد سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است، این وحدت از طریق ارتباط تنگاتنگ و مناسب دولت محلی با حکومت مرکزی، فراهم می‌شود. دولت محلی کارکردهای گوناگونی و مهمی در توسعه و پیشرفت جامعه، می‌تواند ایفا کند. با توجه به مطلب گفته شده، مقاله حاضر درصد برآمده است تا نقش مهم و استراتژیک دولت محلی در تحقق الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت را بررسی کند. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که دولت محلی راهکارهای مهمی در تحقق سند پیشرفت دارد و این امر مهم با هماهنگی دولت محلی با حکومت مرکزی و برخاسته از معیارهای بومی و ایرانی - اسلامی، تحقق پیدا خواهد کرد.

واژگان کلیدی: دولت محلی، حکومت مرکزی، استراتژی، الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت

۱-مقدمه

توجه به دولت‌های محلی و توسعه اصولی آن، خصوصاً در کشورهایی مانند ایران با تنوع فرهنگی و مذهبی، انکارناپذیر می‌باشد، با توجه به ساختار جمعیتی و وسعت سرزمینی کشور ایران، واگذاری اختیارات محلی در ابعاد مختلف، برای مدیریت و اداره سرزمین ضروری است. این تنوع فرهنگی و اجتماعی موجود در کشور ایران، جدا از آنکه می‌تواند بستر ساز توسعه و پیشرفت کشور در زمینه‌های گوناگون شود، می‌تواند جامعه را دچار چالش‌های مختلف ژئوپولیتیکی کند و کشور را با تهدیدات داخلی و خارجی مواجه سازد، بنابراین لزوم توجه به دولت و حکومت‌های محلی در راستای درست و منطقی و نیز گسترش واحدهای محلی در کشور برای جلوگیری از مشکلات یاد شده، ضروری و مناسب به نظر می‌رسد. رشد و توسعه دولتهای محلی و افزایش اختیارات ناحیه‌ای و هماهنگی آن با حکومت مرکزی می‌تواند باعث

۱. *دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران m_mazaheri6424@yahoo.com

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

چسبندگی و تکاثف آن با بدنه مرکزی شده و توسعه و پیشرفت کشور را در مقیاس محلی و ملی و به تبع آن در سطح منطقه ای را شامل شود. الگوی ایرانی - اسلامی پیشرفت که سند مهمی برای توسعه و تعالی کشور است، اگر با برنامه مشخص و چارچوب هدفمند نهادینه و اجرایی شود پیشرفت های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی گوناگونی را برای کشور رقم خواهد زد. ولی این برنامه هدفمند باید تمامی جوانب را در نظر گرفته و با اصول و معیارهای ایرانی و اسلامی مطابقت داشته باشد و پاسخگو نیازهای محلی و منافع ملی کشور باشد. یکی از ابزارها و نهادهایی که می تواند به این روند و تحقق سند چشم انداز کمک شایان توجهی کند دولت و حکومت محلی است. رسالت های دولت محلی در این مورد بسیار چشمگیر است. در مقاله حاضر هم نقش استراتژیک دولت محلی برای تحقق الگوی پیشرفت ارائه خواهد شد و در واقع مقاله حاضر به دنبال پاسخگویی به این سوال است که دولت محلی چه کارکردی در پیشرفت کشور و تحقق سند چشم انداز دارد؟

۲- روش تحقیق

روش پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی و استنباطی می باشد، گرد آوری اطلاعات نیز به صورت کتابخانه ای (کتب، مقالات) و تحلیل استنباطی انجام گرفته است.

۳- دولت محلی و اهمیت آن

آنچه موضوع کارکرد و حوزه عمل دولت محلی است امور ذاتاً محلی در فضای جغرافیایی است که به طور مستقیم به سرنوشت مردم و ساکنان آن مربوط می شود. امور محلی اموری فرایندی است و شامل مراحل تشخیص، بررسی، تصمیم گیری، اجرا، نظارت و بازخورد می شود (حافظ نیا و کاویانی راد، ۱۳۸۳: ۴۳). رشد روزافزون نهادهای محلی مردمی و ضرورت وجود آنها در اداره امور عمومی کشورها از یکسو، محلی شدن امور عمومی در دهه آغازین قرن بیست یکم از سوی دیگر، دولت محلی را به واقعیتی انکارناپذیر در عرصه مدیریت اجرایی تبدیل کرده است (حجی پناه و تقی پور، ۱۳۹۵: ۱۲). تجربه کشورهای در حال توسعه جهان، در رابطه با حکومت محلی، بیانگر این واقعیت است که این گونه حکومت ها به وسیله حکومت مرکزی تشکیل می شوند (قالیباف، ۱۳۸۶: ۶۸). در منطق جغرافیای سیاسی مردم سالاری و نقش آفرینی سیاسی انسان ها در مکان و فضا و شکل دادن به ساختارها و نظام های سیاسی و فرآیندهای مربوطه یک حق طبیعی است و بر پایه ی الگوی روابط بوم شناختی انسان در مکان و فضای جغرافیایی است که انسان ساکن در آن، از آن برخوردار است. بنابر این جمعیت و انسان های ساکن در مکان و فضای جغرافیایی مبنای فلسفی حکومت و نظام های سیاسی را در منطق جغرافیای سیاسی تشکیل می دهند. بر پایه ی منطق یاد شده جمعیت و انسان های ساکن در مکان و فضا، در مقیاس های محلی و ملی متشکل شده، گروه انسانی تا اندازه ای متجانس از نظر خصیصه های ساختاری و اهداف و منافع گروهی با عنوان ملت را تشکیل داده و براساس فرآیندی خاص به خود سامان سیاسی می دهد (حافظ نیا و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۴۷). اداره امور اقتصادی، فرهنگی و خدماتی مناطق شهری و روستایی توسط نهادهای منتخب ملت

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشران ما، چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

تحت عنوان حکومت محلی نام گرفته است. حکومت‌های محلی هر چند یک نهاد عمومی و غیر دولتی محسوب می‌شوند، اما در طول دولت قرار دارند نه در عرض آن، زیرا این نهادها بر اساس قوانین ملی تشکیل می‌گردند و از سوی حکومت مرکزی به رسمیت شناخته می‌شود. حکومت‌های محلی در اداره امور محلی از استقلال نسبی برخوردارند، اما خود مختاری کامل به حدی که بتواند قوانین اساسی و سایر قوانین لازم‌الاتباع کشور را نقض نمایند، ندارند. حکومت‌های محلی برای تأمین منابع خود قاعداً باید بیشتر بر درآمدهای محلی اتکاء داشته باشند و کمتر از منابع ملی بهره‌جویند (امیدی، ۱۳۹۲: ۱۲۴). حکومت محلی واقعیتی انکارناپذیر است و دولت مرکزی ناگزیر از به رسمیت شناختن و ایجاد آن در سطح محلی به عنوان جزء ساختاری دولت ملی است. لیکن نقش آفرینی و کارکردهای حکومت محلی تابع صلاح دید دولت مرکزی است، که قبض و بسط قدرت حکومت محلی را در کنترل خود دارد (قالیباف، ۱۳۸۶: ۷۷). دولت محلی، علاوه بر وظایف خدماتی، اقتصادی و اجتماعی آنها به وظایف سیاسی، امنیتی و قضایی نیز می‌پردازند (حافظ نیا و کاویانی راد، ۱۳۸۳: ۵۲). با توجه به اینکه فرایند جهانی شدن و محلی شدن اداره امور عمومی در دهه پایانی قرن بیستم و دهه آغازین قرن بیست یکم و همچنین ناتوانی حکومت‌های ملی در پاسخگویی به مسائل جهانی و محلی نمایان شده است. لذا حکومت‌ها ناگزیر از به رسمیت شناختن و ایجاد نهادهای در سطح محلی به عنوان جز ساختاری حکومت هستند (ویسی، ۱۳۹۲: ۳۲). حکومت محلی (دولت محلی) اجزاء ساختاری نهادهای اداره امور کشور در دوره مدرن است. عملکرد این نهاد متأثر از عوامل مختلفی است به نظر می‌رسد که نظام سیاسی مهم‌ترین مولفه‌ی موثر بر دولت محلی در هر کشور است (محمدی و مبارکشاهی، ۱۳۹۲: ۱۶۳). دولت محلی در هر کشوری تعاریف و اختیارات خاص خود را دارد، ولی آنچه مهم است ضرورت ماهیت وجودی آن و کارکرد اساسی آن در اداره موثر جوامع است.

۴- دولت محلی در ایران

تاریخ سیاسی ایران، ژئوپولیتیک شکننده و توپوگرافی خاص سرزمین ایران، همگی دلالت بر تهدیدهای بالفعل و بالقوه امنیتی دارد. از اینرو، مدیریت کارآمد فضای سیاسی-جغرافیایی کشور، برای حفظ امنیت ملی یک الزام سیاسی است از سوی دیگر، تجربه تاریخ معاصر نشان داده است که دولت مرکزی به تنهایی و از طریق سلسله مراتبی قادر به برقراری امنیت پایدار و تحقق کار ویژه‌های اقتصادی و خدماتی نیست. از این رو برون سپاری سنجیده وظایف دولت به نهادهای منتخب مردم در اقصی نقاط کشور و فرآیند توسعه سیاسی، اقتصادی و اداره دموکراتیک مناطق مختلف کشور راهکار مناسب برای تثبیت امنیت ملی و دفع تهدیدات داخلی و خارجی است (امیدی، ۱۳۹۲: ۱۱۴). میراث نظام سیاسی متمرکز از ابتدای شکل‌گیری دولت مدرن در ایران مبتنی بر تمرکز شدید اداری بر خاسته از نوعی رویکرد ناسیونالیستی افراطی است. این رویه مجالی بر نهادینه شدن سنت دموکراسی و تعمیم آن را به لایه‌های مختلف زندگی سیاسی-اجتماعی را نمی‌دهد. در کشور چند قومیتی ایران سیاست‌های مرکزی همیشه با نوعی چالش از جانب اقوام زیر دست مواجه بوده است. اصرار اکید قانون اساسی بر عدالت و برابری بین اقوام در توزیع منابع قدرت و ثروت و همچنین تمرکززدایی در قالب شوراها به عنوان نماد دولت محلی هرگز در ساخت سیاسی ایران نهادینه نشد (محمدی و

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشران ما، چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیست و دومین و بیست و سومین خردادماه ۱۳۹۸

مبارکشاهی، ۱۳۹۲: ۱۷۶-۱۷۵). با پیروزی انقلاب اسلامی در ۱۳۵۷، موضوع تمرکز زدایی، عدم تمرکز اداری و نظام مشارکتی یا شورایی مورد توجه قرار گرفت. در قانون اساسی نیز تشکیل شوراهای محلی برای پیشبرد امور اجتماعی، اقتصادی، بهداشتی، فرهنگی و آموزشی با مشارکت مردم محل پیش بینی گردید در سال ۱۳۷۸ شوراهای شهر تشکیل شد که آن‌ها نیز با مسایل و دشواری‌هایی در زمینه اجرای وظایف خود که البته همیشه با صراحت و دقت تعریف نشده است. (به ویژه در ارتباط با سازمان‌های اجرایی و بوروکراسی دولتی) رو به رو هستند و تا کنون در عمل نقش موثری در تمرکز زدایی و برآوردن خواست‌های مردم نداشتند (صبوری، ۱۳۸۰: ۲۱۰). دولت محلی تا پیش از جنبش مشروطه به صورت سنتی، منصوبی و غیر دموکراتیک بوده است. ایجاد دولت محلی مدرن از جنبش مشروطه تا کنون و در عمر بیش از یک قرن خود در ایران، دچار تحولات زیادی شده است (ویسی، ۱۳۹۲: ۲۱۵). انقلاب مشروطه که به دنبال تبدیل قدرت سیاسی خودکامه به قدرت مقید به قانون و توزیع و پخش قدرت در پهنه‌ی سرزمینی از طریق ساز و کارهای دموکراتیک بود، نتوانست آرمان‌های دموکراسی و خودگردانی محلی و نظام پارلمانی و انتخاباتی را در ایران نهادینه کند (همان: ۱۴۸). امروزه گرایش فزاینده‌ای به اجرای سیاست تمرکززدایی در سراسر دنیا مشاهده می‌شود. یکی از مهم‌ترین دلایل این امر آن است که بسیاری از کشورها سیاست تمرکززدایی را به عنوان روشی برای بهبود عملکرد بخش عمومی به کار می‌برند زیرا دولت‌های محلی به دلیل نزدیکی بیش‌تر به افراد ساکن در مناطق تحت پوشش خود سلیقه مردم را بهتر می‌شناسند (خوارزمی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۵۲). عوامل مختلفی چون وسعت و شکل کشور، سابقه تاریخی، موقعیت جغرافیایی، ساختار نظام سیاسی و ... در نگرش حکومت‌ها به ایجاد سازمان‌ها و نهادهای سطح محلی و واگذاری امور به آنها وجود دارد. نحوه اداره کشور و میزان نقش و مشارکت مردم در اداره حکومت، عمدتاً در قانون اساسی کشورها به عنوان میثاق ملی تبلور می‌یابد و در قوانین اساسی همه دولت‌ها به نحوی تلاش شده است که جایگاه حضور مردم در عرصه‌های سیاسی اجتماعی به نوعی طرح و از کمترین حضور تا فعالترین آن مورد توجه قرار گیرد (حجی پناه و تقی پور، ۱۳۹۵: ۱۲).

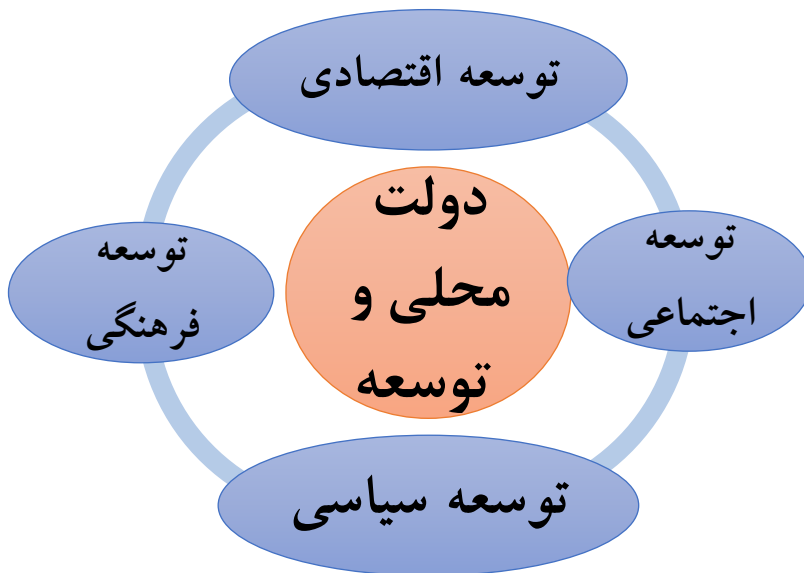
در مبحث پیاده‌سازی دولت محلی هر کشوری باید بر اساس مقتضیات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، تاریخی، جغرافیایی و جمعیت شناختی خود، ابعاد دولت محلی را سامان داده و کارآیی مدیریت را در درون دولت محلی افزایش دهد. دولت‌های محلی باید بر اساس الگوی استراتژیک منحصربه‌فرد خودشان شکل گرفته و متکامل شوند (زرقانی، ۱۳۹۴: ۱۷۶). در کل دولت محلی در تاریخ ایران، فراز و نشیب‌های زیادی داشته است. ولی کارآمدترین دولت محلی در ایران، که بتواند پاسخگو شرایط جامعه باشد، آن دولتی است که با موازین و معیارهای جامعه ایرانی سازگاری بیشتری داشته باشد و صرفاً الگوی وادارتی، نشأت نگرفته از سایر کشورها نباشد.

۵- نسبت دولت محلی با توسعه و پیشرفت

امروزه در بحث تمرکز زدایی و انجام خدمات بهتر هم از لحاظ کیفی و هم از لحاظ کمی و هم برای توسعه، در یک کشور، تشکیل دولت‌های محلی با انواع سیستم‌های حکومتی بحثی غیر قابل اجتناب می‌باشد (حجی پناه و تقی پور، ۱۳۹۵: ۱).

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشران ما، چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

حکومت‌های محلی نقش مهمی را نه تنها در ترویج ارزش‌های دموکراتیک، بلکه در تسریع فرآیند توسعه سیاسی و اجتماعی جوامع ایفا می‌کنند. حکومت‌های محلی به دلیل ماهیت انتخابی، به مردم در توسعه مناطق محلی اجازه مشارکت مؤثر می‌دهند. توسعه اجتماعی، سیاسی یا اقتصادی تنها زمانی واقعی و معنادار می‌شود، که از پایین‌ترین سطح جامعه، شروع شوند. اگر نهادهای حکومت محلی تقویت شوند، به فرآیند دموکراسی‌سازی در جوامع کمک می‌شود (آبیاری و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۸۸). این نسبت تقویت دولت محلی با انواع توسعه در جامعه، در شکل ذیل نشان داده شده است:

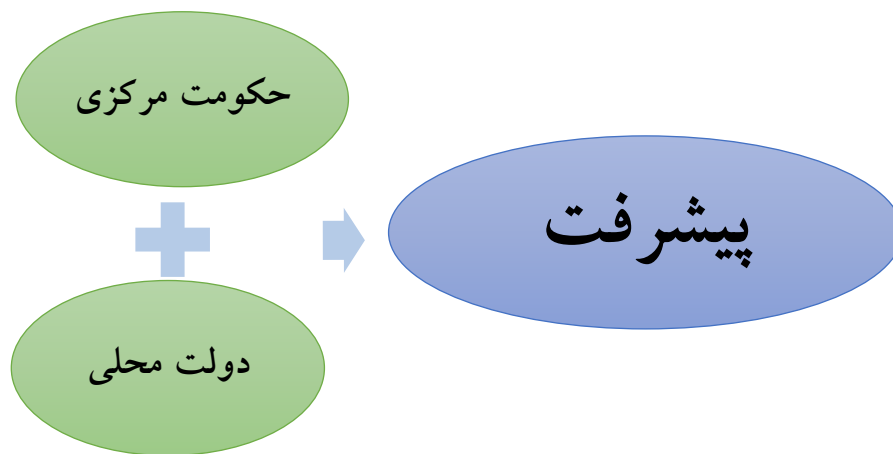


شکل شماره ۱: (ترسیم، نگارنده: ۱۳۹۷)

عوامل اقتصادی - مالی با یکدیگر دارای ارتباط متقابل هستند برای مثال می‌توان گفت کاهش قبضه دولت مرکزی بر اقتصاد مالی باعث افزایش مسئولیت‌پذیری و کاهش فساد مالی می‌شود که این خود باعث افزایش کارایی بخش عمومی و در نهایت رشد اقتصادی می‌شود که با شکل‌گیری دولت محلی میزان قدرت اقتصادی دولت مرکزی تعدیل می‌شود و مسئولیت‌پذیری بالا می‌رود هم‌چنین فساد مالی کمتر و رشد اقتصادی و افزایش کارایی بخش عمومی را به همراه دارد (خوارزمی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۵۴). محلی‌گرایی، منطقه‌مداری و خودمدیریتی از الگوهایی می‌باشد که توسط کارشناسان ارائه شده است. لذا کارگزاران کشور باید این نکته را مدنظر قرار دهند که جهت توسعه پایدار باید به تقویت نهادهای مشارکتی اهتمام ورزند؛ لیکن با تشکیل شوراهای اسلامی شهرها به عنوان ابزاری در جهت مشارکت شهروندان این زمینه‌ها پی‌ریزی شده و حلقه‌ستون‌های اصلی دولت محلی تکمیل گشت (موذن، ۱۳۹۵: ۱۲۹۷). از یک سو، شرایط محیطی و جغرافیایی در همه استان‌ها و مناطق کشور ایران یکسان نیست و از سوی دیگر، هدف دولت ارجاع صحیح برنامه‌ها در سطح کشور است، بنابراین با توجه به توانای‌ها،

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشران ما، چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

استعدادها و نیازهای هر منطقه طرح‌های توسعه‌ی مربوط به آن تهیه می‌شود. در این میان، دولت محلی و عدم تمرکز می‌تواند در جهت اجرای صحیح این طرح‌ها و سرعت بخشیدن به آن‌ها از طریق همکاری و هماهنگی لازم بین مناطق استان‌های مختلف اقدام کند و دولت را یاری دهد (زرقانی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۸۰). این تمرکز زدایی از حکومت مرکزی با رشد و توسعه دولت‌های محلی امکان‌پذیر خواهد بود و زمینه را برای توسعه سیاسی فراهم خواهد ساخت. توسعه سیاسی هم‌راه را برای سایر مولفه‌های توسعه مانند توسعه اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی هموار خواهد کرد.



شکل شماره ۲: (ترسیم، نگارنده: ۱۳۹۷)

۶- کارکردهای استراتژیک دولت محلی

نقش استراتژیک دولت محلی زمینه‌ها و ابعاد گوناگونی را شامل می‌شود. مسلم است توسعه و رسیدن به مسیرهای پیشرفت برای کشورها یک فرایند تدریجی است و این فرایند باید از مکان‌ها کوچکتر شروع شده تا در نهایت، تعالی و پیشرفت ملی و سرزمینی را رقم زد. کارکرد دولت محلی در این مورد شایان توجه است و از طرق مختلف می‌تواند در رسیدن به این هدف، نقش آفرینی کند که در ذیل به آنها اشاره می‌شود:

۱-۶- عدالت جغرافیایی (سرزمینی)

عدالت جغرافیایی یکی از مقولات برنامه‌ریزی مبتنی بر جغرافیاست که هدف آن تأمین خرسندی باشندگان محدودهای جغرافیایی می‌باشد. بعد توزیعی عدالت بیشترین هماهنگی را با عدالت جغرافیایی داشته است. عدالت جغرافیایی ضمن تأکید بر نقش محیط در برخورداری یا عدم برخورداری نواحی مختلف از توان‌های محیطی

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشران ما، چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

ناهمگن، بیشترین اثرگذار مبحث عدالت را نظام‌های سیاسی و ایدئولوژیک می‌داند؛ زیرا برنامه‌ریزی در راستای توزیع عادلانه فرصت‌ها اساس عدالت جغرافیایی است (کاویانی راد، ۱۳۸۵: ۲۹۲). از آن جهت که یکی از ساحت‌های مهم زندگی انسان، استفاده از زمین، سرزمین و موقعیت جغرافیایی می‌باشد، باید این معنای از عدالت در نحوه‌ی تعامل ما با محیط و جغرافیا جلوه‌گر باشد؛ بنابراین اگر بنا باشد که نظریه‌ای اسلامی در باب عدالت جغرافیایی ارائه شود، باید تأکید آن نظریه بر معنای اسلامی از عدالت جغرافیایی باشد و هم مبانی نظری و هم رویکردهای عملی در نظریه‌ی عدالت جغرافیایی مبتنی بر این نظریه است (دلدار، ۱۳۹۶: ۱۲۳). بنابراین اگر در جامعه عدالت همه جانبه برقرار بود، محیط برای رشد و تکامل فراهم‌گشته، روند عمومی حرکت تکاملی جامعه هماهنگ با روند کل جهان خواهد بود و در برابر، هر نوع بی‌عدالتی موجب فساد، ارتجاع و سقوط جامعه می‌گردد. پیامبران نیز برای تکامل براساس قسط و حق و عدل مبعوث گشته‌اند (خزایی، ۱۳۹۷: ۲). آنچه که امروزه از مفهوم پیشرفت مورد توجه قرار گرفته است، آن است که برای دستیابی به پیشرفت پایدار، باید پیشرفت نگاه "عدل محور"، "همه جانبه" و "متوازن" داشت و از "مرکزگرایی"، "بخشی‌نگری" و توسعه "نقطه‌ای" اجتناب نمود. نگاه آینده‌نگر و استراتژیک ایجاد می‌کند با توزیع بهینه امکانات "شکاف" مرکز- پیرامون کاهش یابد. به عبارت دیگر، اجرای فرایند پیشرفت باید به گونه‌ای پیوسته باشد که شهرنشینی موجب توسعه روستاها گشته و پیشرفت روستاها و مناطق پیرامونی پشتوانه توسعه مرکز گردد. تلقی این دو فرایند می‌باید منجر به شرایطی گردد که در آن شکاف بین کلان شهرها، شهرها و مناطق روستایی از نظر درآمد و توسعه خدمات اجتماعی و سطح رفاه کاهش یابد (حیدری و جعفری نژاد، ۱۳۹۷: ۱۵). در جامعه ما به دلیل وجود شرایط ویژه در برخی موضوعات، حساسیت‌های سیاسی و اجتماعی خاصی وجود دارد که باید مورد توجه قرار گیرد. مقوله دولت محلی نیز از این گروه است. از این رو تأسیس دولت‌های محلی باید با توجه به این حساسیت‌ها بوده و اقدامات اجرایی مربوطه به تدریج و با تأنی لازم آغاز شود. به همین منظور فرایند واگذاری وظایف به دولت‌های محلی نیز باید به مرور و با اعمال حوصله و دقت لازم صورت پذیرد (نوروزی، ۱۳۸۸: ۲۶). شکستن مدل مرکزگرایی در ذهن آحاد جامعه اعم از مدیران کلان شهرها، مدیران شهرهای خرد و مردم شهر و روستا نخستین گام جهت تحقق عدالت جغرافیایی و توسعه عادلانه است. امری که با تلاش و اهتمام ویژه قابل تحقق است و همیاری رسانه‌های جمعی و مراکز آموزشی را می‌طلبد. در گام بعدی الزم است با اختصاص اعتبارات ویژه جهت روستاها و شهرهایی که سرانه شهروندی پایینی دارند (باهدف پرشدن شکاف تبعیض در یک بازه زمانی چند ساله) بر این شکاف فایق آمد (حیدری و جعفری نژاد، ۱۳۹۷: ۱۴). عدالت جغرافیایی در بعد ملی عمدتاً بر وجه توزیعی عدالت با توجه به ناهمسانی‌های ناحیه‌ای، حفظ تعادل مناسبات انسان و محیط، برخورداری همسان شهروندان از فرصت‌ها و کاهش آثار زیانبار ناشی از عدم توزیع عادلانه فرصت‌ها و امکانات در گسترده سرزمین ملی با محوریت مقوله تنوع فضایی تأکید دارد (کاویانی راد، ۱۳۸۵: ۲۷۵). این توزیع عادلانه امکانات و افزایش فرصت‌های توسعه در سطوح مختلف ملی و ملی با ایجاد و برقراری عدالت جغرافیایی و سرزمینی عملی خواهد شد. آن هم باعث انسجام هر بیشتر ملت و تداوم روند توسعه و پیشرفت کشور خواهد بود.

۲-۶- بعد اقتصادی

تمرکز بیش از حد اقتصادی و ضررهای ناشی از آن، دولت را به سمت وسوی ترجیح رشد کیفی بر رشد کمی سوق داده است که این عامل نیز می‌تواند یکی از عوامل تأثیرگذار بر رشد اقتصادی باشد که با شکل‌گیری دولت محلی تقویت می‌شود (خوارزمی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۵۴). تمرکززدایی باعث کاهش سلسله مراتب بوروکراتیک می‌شود. از نظر مادی، امور هر ناحیه معمولاً با توجه به امکانات و رعایت پاره‌ای مقتضیات دیگر محلی اداره می‌شود و برنامه‌ها با در نظر گرفتن امکانات محلی تنظیم می‌شود. لذا مصارف بودجه دولت مرکزی به میزان قابل توجهی کاهش می‌یابد. زیرا برعهده گرفتن انجام امور محلی برای دولت مرکزی هزینه بر است و رهاکردن چنین اموری هزینه‌های نظام مرکزی را کاهش می‌دهد، ضمن آن که بی‌تردید زبانی متوجه نظام‌های محلی نخواهد کرد. بنابراین کاهش هزینه‌ها می‌تواند به‌کارایی تولید انجامیده و در نهایت باعث افزایش رشد اقتصادی گردد (معلمی و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۲۸). در دولت محلی، امور هر ناحیه با توجه به امکانات توانمندیها و رعایت پاره‌ای مقتضیات محلی اداره می‌شود که در نتیجه آن، مصرف بودجه مرکزی کاهش می‌یابد (زرقانی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۸۰). راهکارهای برای شکل‌گیری دولت محلی در بعد اقتصادی - مالی شامل:

- ۱- کاهش و تعدیل میزان تمرکز دولت مرکزی در سیستم‌های اقتصادی - مالی،
- ۲- بکارگیری سیاست‌های برای کاهش وابستگی دولت مرکزی به درآمدهای نفتی در ایران،
- ۳- بکارگیری و استفاده از امکانات و پتانسیل‌های محلی برای تعدیل در هزینه‌های دولت مرکزی،
- ۴- محلی و بومی شدن قوانین مربوط به درآمدهای مالیاتی - تجاری و واردات و گمرکات،
- ۵- اختصاص دادن برخی از درآمدهای حاصل از (انرژی نفت و گاز) به مناطق بسیار محروم و در حال رشد کشور (خوارزمی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۶۳). به طور طبیعی اگر دولت پاک‌دست باشد، حقوق مردم را رعایت کند، وظایفش را درست انجام دهد به کل جامعه با یک چشم نگاه کند، فرصتها را به صورت برابر تقسیم کند و منابع عمومی را به بهترین وجه ممکن تخصیص دهد، آثار آن در جامعه نمایان خواهد شد. زیرساختها فراهم، امنیت برقرار، کارایی بر حسب درجه اجرای عدالت افزایش خواهد یافت و درآمد ملی و در نتیجه رفاه اقتصادی در اوج خود قرار خواهد گرفت (رجایی، ۱۳۹۷: ۲۰). لازمه اجرای عدالت اقتصادی تخصیصی و توزیع اموال طبیعی و تولیدشده بین انسان‌ها، با رعایت حقوق ایجادشده ناشی از کار، مالکیت اصل و رعایت قاعده نیاز اولیه، شرط لازم برای اجرای عدالت اقتصادی توزیعی است (دلدار، ۱۳۹۶: ۱۲۳). این امر نیازمند تعامل سازنده حکومت مرکزی با دولت‌های محلی است. رفاه اقتصادی جامعه، رضایت ملی و اتحاد ملی را افزایش خواهد داد و آن هم مسیرهای توسعه و پیشرفت را هموارتر خواهد کرد.

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

۳-۶- بعد اجتماعی (انسجام ملی)

دولت محلی نزدیک ترین قشر دولت به مردم بوده و برای مشارکت دادن شهروندان در جهت اتخاذ تصمیم در ارتباط با شرایط زندگی شان و استفاده از دانش و استعداد های آن ها در ارتقاء و توسعه اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در بهترین موقعیت قرار دارد (آبیار و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۷۳). مشارکت محلی نقشی است که مردم در چهارچوب دولت محلی به طور مستقیم و غیر مستقیم در فرایند تصمیم گیری و اجرای آن ایفا می کنند و در شکل دادن سیاست عمومی و اداره امور جامعه سهیم می باشند. مشارکت می تواند به وسیله رأی دادن در انتخابات، حضور در جلسات شورا، تقاضای خدمات، استماع عمومی، ارائه پیشنهادهای، بیان عقاید و نظرها درباره شیوه های بهتر اداره عمومی و مسئولیت پذیری باشد (ویسی، ۱۳۹۲: ۱۱۹). شرط رسیدن به مردم سالاری، مشارکت شمار ممکن مردم در شکل گیری قدرت است تا در جهت وصول به مناسب و منظورهای سیاسی، راه ورود همگان مهیا شود (حافظ نیا و کاویانی راد، ۱۳۸۳: ۲۲۵). اصل اساسی در دولتهای محلی این است که مردم هر محل با مشارکت و هم فکری یکدیگر و حتی المقدور با استفاده از منابع و امکانات محلی نسبت به تأمین خدمات عمومی و نیز عمران و آبادانی محل در چهارچوب قانون اقدام کنند. به طور کلی، به موضوع مشارکت مردم در امور محلی از یک دهه قبل تا کنون به عنوان عامل اساسی در بررسی های توسعه توجه شده است. در این باره دولت های محلی می توانند همانند وسیله ای مطمئن برای شرکت مردم در تصمیم گیری های محلی نقش مهمی ایفا کند (حافظ نیا و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۴۸). با توجه به ماهیت انتخابی مقامات دولت های محلی، که به طور مستقیم از سوی مردم انتخاب می شوند، با نظارت نمایندگان مردم بر عملکرد مدیران اجرایی شهر (شهرداران و مدیران تابعه آنها) در قالب شوراهای شهر زمینه مداخله و مشارکت مردم در امور رفاهی، عمرانی، زیست محیطی، خدماتی و فرهنگی و تفریحی بیش از پیش فراهم خواهد شد. حاکمیت نیز می تواند از آثار مثبت این مشارکت در حوزه های سیاسی استفاده کند (نوروزی، ۱۳۸۸: ۲۶). مشارکت مردمی در زمینه های مختلف، ادامه ستون فقرات یک حکومت و حفظ تمامیت ارضی کشور خواهد بود. هر چه مردم احساس کنند که با آنها به عنوان شهروند درجه اول برخورد شده است، تمایل زیادی در سرنوشت جامعه خودشان و بقای سرزمین خواهند داشت. این نکته مهم با حضور فعال حکومت های محلی و نحوه تعامل آنها با مردم محل و هماهنگ بودن با حکومت مرکزی امکان پذیر است.

۶-۴- بعد سیاسی (حکمرانی-دیپلماسی)

دیدگاه یکسان نگر نظام سیاسی ایران باعث بی توجهی به توان های محیطی و پتانسیل های منطقه ای شده و بدون توجه به مقیاسهای شهری (شهرک، شهرهای کوچک، متوسط، کلان شهر و منظومه شهر)، الگوی دولت محلی یکسان (شورا مدیر) را همراه با وظایف و اختیارات مشابه برای تمامی شهرهای ایران اعمال کرده است. تهدیدات امنیت ملی و دیدگاه حکومت محور نظام سیاسی باعث شد تا اجرای دولت محلی ایران نزدیک به دو دهه پس از انقلاب اسلامی اجرا نگردد (ویسی، ۱۳۹۲: ۲۱). از نظر محتوا و کارکرد، قبض و بسط نهادهای محلی ایران متأثر از مقتضیات زمان و قدرت

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیست و دومین و بیست و سومین خردادماه ۱۳۹۸

هیئت حاکمه بوده و نوعی کشمکش بین تمزگرایی (از جانب دولت مرکزی) و تمرکززدایی (از جانب انجمنها و شوراهای) وجود داشته که پس از دوره های کوتاهی از تمرکززدایی، به دلایل عدم فرهنگ دموکراتیک و وجود اقتدارگرایی حکومت مرکزی، تمرکزگرایی بر تمرکززدایی غلبه کرده است. پس از قانون بلدییه در دوره مشروطه، مدل دولت محلی شورا - مدیر در قانون ۱۳۰۹ ش برای نهادهای محلی شهری و کلان شهری در نظر گرفته شد که این مدل حداقل در ظاهر در قوانین بعدی و تا کنون در ایران پایدار مانده است (همان: ۲۱۵: ۲۱۱).

بکارگیری سیستم مدیریت شهری به شکل مشارکتی متناسب با شرایط بومی هر شهر، که در آن مردم همگام با شهرداری در تمامی تصمیم گیری های مربوط مشارکت کنند. ایجاد مدیریت یکپارچه شهری می تواند تمام سیاست های شهری را به صورت مناسب مدیریت کند، بکارگیری تکنولوژی فناوری اطلاعات در مدیریت شهرها بازنگری در وظایف و اختیارات شهرداری ها، نظیر حفاظت از مدیریت محیط زیست شهری که در ایران جز وظایف شهرداری ها نیست. سپردن تدریجی اختیارات به حکومت های محلی نظیر شورا های محله. ایجاد سامانه ارتباط با شورا؛ اینکه مردم مستقیماً با شورا در ارتباط باشند و خواسته های خود را به این نهاد بیان کنند (بدر افشان و مهری، ۱۳۹۴: ۸). عامل مؤثر دیگری که بر کیفیت و جامعیت عملکرد شورای شهر، سطح توسعه یافتگی کلان ملی و خرد، محلی جامعه شهری مورد نظر است. توسعه در مفهوم جدید و جامع خود که متضمن توسعه پایدار و انسانی است در واقع منابع و پتانسیل های بالقوه بهبود سطح زندگی شهروندان و ارتقای عملکرد سیستم مدیریت شهری و شورای شهر را در سه زمینه عمده امنیت، رفاه عدالت اجتماعی و مشارکت اجتماعی شهروندان فراهم می سازد. در واقع هرچه سطح توسعه یافتگی یک جامعه شهری بالاتر باشد، سیستم مدیریت شهری آن نیز از پتانسیل بیشتری برای ارائه وسیعتر و کاملتر خدمات شهری برخوردار است و بر منابع پایداری متکی خواهد بود (موذن، ۱۳۹۵: ۱۲۹۴). سیاست های دولت های محافظه کار در مورد دولت محلی گسترده و پیچیده است، از یک طرف، گسترش حکومت محلی با آزادی انتخاب و تاکید بر پاسخگویی محلی توأم است. از سوی دیگر سیاست هایی برای کاهش فعالیت های عمومی و کاهش هزینه های عمومی است (Stewart, 14: 2008). حکمرانی خوب با ایجاد ساختار انگیزشی مناسب نااطمینانی را در اقتصاد کاهش داده و با بهبود کیفی کارآیی به رشد اقتصادی بالاتر منجر می گردد. بدون ایجاد، حمایت و اجرای حقوق مالکیت، دامنه مبادلات بازاری کاهش می -یابد؛ ساختار قوانین و مقررات نامناسب، فرصت های سرمایه گذاری را تحلیل می برد؛ فساد سیاست های دولت را از اهداف واقعیاش منحرف می سازد و مشروعیت نهادهای دولتی حامی بازار را کاهش می دهد (نازاریان و محبوب، ۱۳۹۷: ۱۲). باید دولت و نهادهای اجرایی، نظارتی، قانونگذاری و مدیریتی نسبت به تقویت رفاه اجتماعی و اعتماد در میان لایه های مختلف اجتماعی اقدام کنند. دولت می بایست با ایجاد فضای کافی و اعتماد به برخی نیروهای مهم اجتماعی و اقتصادی، ایجاد تسهیلات بیشتر و پاسخگویی بیشتر در برابر نهادهای مدنی و عامه مردم، هم شاخص -های حکمرانی خوب را تقویت کند و هم اعتماد مردمی را کسب کند. اتخاذ این تصمیمات مهم از راه اجماع مهمی ممکن است که در نهایت مفاهیم شایستگی، رقابت، تلاش حرفه ای و اجتماعی افراد، حل مسالمت آمیز اختلافات و منازعات اجتماعی - سیاسی و عدالت اجتماعی را تبدیل

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشران ما، چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیست و دومین و بیست و سومین خردادماه ۱۳۹۸

به امری ملموس و مفروض در روند عادی زندگی عامه مردم و تغییر کیفیت مادی و معنوی آن می شود (همان: ۲۸). دیپلماسی شهری به ابزار حکومت‌های محلی و انجمن‌های وابسته به آنها گفته می شود که در مواقعی که حکومت‌های محلی در حالت کشمکش و تنش به سر می برند یا می خواهند در مورد چالش‌های مشترک و فرصت‌های موجود به تعاملات بین‌المللی بپردازند، کمک می کند تا از طریق گفتگو و مذاکره، راه‌های همکاری‌های بین‌المللی شهر با شهر را فراهم کند و زمینه محیطی آرام و صلح آمیز را برای شهروندان خود مهیا کنند باید خاطر نشان کرد که دیپلماسی شهری بدون حکومت محلی نمی تواند رسالت اصلی خود، که خدمت رسانی به شهروندان محلی است، به انجام برسد. به عبارتی باید نماینده شهروندان باشد نه حکومت مرکزی (قورچی و امانی، ۱۳۸۸: ۱۵). دیپلماسی شهری می تواند به عنوان عنصر کلیدی در خدمت توسعه پایدار باشد. برای روشن شدن اهمیت دیپلماسی شهری در زمینه توسعه پایدار، می توان به پیام کوفی عنان دبیر کل سابق سازمان ملل متحد اشاره کرد که نقش حکومت‌های محلی را در توسعه پایدار به رسمیت شناخته و به اهمیت آن در عرصه همکاری‌های بین‌المللی تأکید کرده است (همان: ۳۴). در کل می توان گفت که با توجه به ماهیت انتخابی مقامات دولت‌های محلی، که به طور مستقیم از سوی مردم انتخاب می شوند، با نظارت نمایندگان مردم بر عملکرد مدیران اجرایی شهر (شهرداران و مدیران تابعه آنها) در قالب شوراهای شهر زمینه مداخله و مشارکت مردم در امور رفاهی، عمرانی، زیست‌محیطی، خدماتی و فرهنگی و تفریحی بیش از پیش فراهم خواهد شد. حاکمیت نیز می تواند از آثار مثبت این مشارکت در حوزه‌های سیاسی استفاده کند (نوروزی، ۱۳۸۸: ۲۶).

۵-۶- بعد فرهنگی (هویتی)

برای اینکه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در جامعه تحقق یابد، باید بعضی شرایط مهیا شود و الزامات نهادی، فرهنگی و هویتی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، معنوی و رفتاری ویژه ای برپا گردد. یکی از الزامات مهم این الگو، ابعاد فرهنگی و هویتی آن است که مغفول واقع شده است. یعنی این که جامعه برای رسیدن به پیشرفت، نیازمند یک الگوی هویتی متناسب با فرهنگ و شرایط و اقتضائات جامعه خود است تا بتواند با اتکاء بر هویت خود به سمت پیشرفت و توسعه گام بردارد و دچار از خودبیگانگی و ازهم گسیختگی اجتماعی و نیز بحران هویت نشود. از این رو، بیان‌الگویی از هویت متناسب با روح جامعه توسعه، حاصل فعالیت‌های عمدتاً بومی و همراه با آگاهی تک تک افراد از موقعیت و وضع توسعه است که بایستی اساس یک توسعه جامع قرار گیرد. یکی از مهم ترین پیش شرط‌های تحقق توسعه در هر جامعه، شرایط فرهنگی آن جامعه است (بلباسی و اسفندیار، ۱۳۹۲: ۹۹). عدالت فرهنگی، مقدم بر عدالت سیاسی و اقتصادی است. فرهنگ با اندیشه و باور و ذهنیت افراد سروکار دارد و باور اساس هر تحولی است (خزایی، ۱۳۹۷: ۱۹). فرهنگ هویت ساز است؛ زیرا هویت جمعی جامعه را در بازه زمانی و بستر زمینی معین نشان می دهد. اگر جامعه ماده باشد، فرهنگ صورت و انسجام بخش آن است. فرهنگ اگر هویتی مبتنی بر میراث مادی و معنوی بسازد که به زندگی معنی، نشاط و امید

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشران ما، چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیست و دومین و بیست و سومین خردادماه ۱۳۹۸

ببخشد این فرهنگ در مسیر اعتدال، پسندیدگی و هماهنگی و توازن فرد و جامعه خواهد بود (همان: ۱۰). الگوی هویتی مطلوب در قانون اساسی، یک هویت تثلیثی یا سه گانه است که شامل ترکیبی از سه بعد هویت اسلامی (با مؤلفه‌هایی چون ضوابط و اصول اسلامی یعنی قرآن و سنت، توسعه و تحکیم برادری اسلامی و تعاون عمومی بین مردم توسط دولت، دین اسلام و مذهب شیعه، توجه به امت اسلامی، اعتقاد به ولایت فقیه) هویت ایرانی (با مؤلفه‌هایی چون آمیختگی اسلام و ایران، زبان مشترک، خط مشترک، پذیرش فرهنگ‌ها و زبان‌های محلی، پرچم کشور، معتبر شناختن تاریخ هجری شمسی، توجه به میراث فرهنگی و نفایس ملی ایران به عنوان دارایی‌های معنوی ملت، سرزمین مشترک) و هویت متجددانه و جهانی (با مؤلفه‌هایی چون استفاده از علوم و فنون و تجارب پیشرفته بشری، تربیت افراد ماهر برای رسیدن به توسعه و پیشرفت، تقویت روح بررسی، تتبع و ابتکار) می‌باشد که می‌تواند مسیر پیشرفت و تعالی مطلوب مادی و معنوی را در بستر الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت تسریع کند (بلباسی و اسفندیار، ۱۳۹۲: ۱۱۷). گرچه این زمینه از یکصد سال پیش آغاز شده است؛ ولی در این راه با نشیب و فرازهایی همراه بوده است. ولی اکنون که در عصر جهانی شدن قرار گرفته ایم شکل و سیمای اداره و نحوه مدیریت تغییر نموده است و از مدیریت مشارکتی و شبکه‌ای بحث می‌شود. در حالی که به فرهنگ شهر و هویت شهر و شهرسازی، مطابق الگوهای فرهنگی توجهی نمی‌شود. اینجاست که می‌گوییم در کشور ما غلبه سیاست‌ها از بالا بوده و شهروندان محلی نقشی در امور ندارند. لذا باید اول با ایجاد شاخصه‌های حکومت محلی را با توجه به نوع فرهنگ بومی شکل و چارچوب دهیم؛ شاخصه‌های مانند سازمان یافتگی، شخصیتی حقوقی داشتن حکومت محلی، شفافیت - پاسخگویی و استقلال مالی؛ این چارچوب زمانی تحقق پیدا می‌کند که کارگزاران محلی اعم از شوراها و شهرداری‌ها منتخب مردم باشند و مستقیماً در مقابل مردم پاسخگو باشند (موذن، ۱۳۹۵: ۱۲۹۷). هر چه مقدار تابع شناخت دولت‌های محلی به سمت یک میل نماید، افزایش سطح تمرکز زدایی برای جامعه مطلوب‌تر خواهد بود. زیرا در این صورت، دولت‌های محلی در مقایسه با دولت مرکزی از شناخت بهتری نسبت به سلیقه مصرفی جامعه برخوردار خواهند بود. این امر می‌تواند از طریق افزایش سطح دموکراسی به واسطه انتخاب دموکراتیک مقامات محلی، استخدام نیروی انسانی متخصص محلی مبتنی بر نظام شایسته سالاری و در نهایت، ایجاد کانال‌های اطلاعاتی قوی‌تر میان مقامات محلی و افراد ساکن در حوزه انتخاباتی آنها محقق گردد (معلمی، ۱۳۸۹: ۱۲۴). در کل می‌توان گفت که محورهای هویتی و بومی و پایبندی به این امور از جمله الزامات مهم جوامع در حال توسعه و پیشرفت است، لیکن دولت محلی بر مبنای موازین اسلامی و متکی بر معیارهای بومی و ایرانی باشد. یکی از اندیشه‌های بنیادی که متکی بر آموزه‌های دینی و قرآنی بود و در اولویت برنامه‌های رهبران انقلاب قرار گرفت، «شوراهای اسلامی» بود. بر این اساس امام خمینی (ره) در ۹ اردیبهشت ۱۳۵۸ پیش از آنکه قانون اساسی تصویب شود، طی حکمی به شورای انقلاب اسلامی دستور تهیه آیین‌نامه شوراهای اسلامی شهر و روستا را داد تا بلافاصله پس از تصویب به دولت برای اجرا ابلاغ گردد (ویسی، ۱۳۹۲: ۱۸۸). همان‌طور که گفته شد رسالت دولت محلی در پیشرفت کشور گسترده است که در حوصله مقاله حاضر به برخی از آنها اشاره شد. با دگرگونی‌های موجود و افزایش اختیارات دولت محلی در کشور، کارکردهای آن

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشران ما، چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

وسیع تر و عملی تر خواهد بود. در شکل ذیل نقش استراتژیک دولت محلی در تحقق الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت به تصویر کشیده است:



شکل شماره ۳: (تدوین و تنظیم، نگارنده: ۱۳۹۷)

۷- نتیجه گیری

پیشرفت و حرکت رو به جلو از اهداف شخصی و جمعی انسان هاست. در بعد توسعه در سطح ملی، پیشرفت یک مسئله همگانی است لذا نهادها و سازمان های گوناگون، در این امر مهم مسئولیت دارند. الگوی پیشرفت ایران که یک حرکت مهم و استراتژیک برای رسیدن به توسعه مطلوب است، نیازمند به کار گیری ابزارها و راهکارهای مختلف برای دست یافتن به اهداف الگوی مد نظر است. یکی از این ابزارهای مهم و راهبردی در تحقق الگوی پیشرفت، دولت محلی است. مسلم است حکومت مرکزی در ایران با توجه تنوع مذهبی-فرهنگی موجود در کشور، تنوع آب و هوایی، وسعت سرزمینی و... وظیفه سنگینی در ایجاد عدالت و توسعه کشور دارد، لذا حکومت مرکزی ناگزیر به همکاری و تعامل با دولت های محلی است. دولت محلی از طریق گوناگون می تواند بستر ساز توسعه و کاهش شکاف مرکز و پیرامون باشد. واضح است نایل آمدن به الگوی پیشرفت در درجه اول، مشارکت و همراهی آحاد ملت در بخش های دولتی و خصوصی را می طلبد. این مسئله مهم با همکاری و مشارکت سازنده حکومت مرکزی با دولت محلی، تحقق پیدا خواهد کرد چون الگوی توسعه تمامی ابعاد پیشرفت را شامل می شود، همان طور که گفته شد دولت محلی در روند توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و برقراری عدالت سرزمینی جایگاه مهمی را دارد در بین ابعاد مطرح شده مهمترین نقش دولت محلی در تحقق الگوی پیشرفت بعد فرهنگی و هویتی است، چون موضوع پیشرفت یک مسئله ملی و در سطح کلان است. لذا خود آگاهی و مشارکت همه جانبه ملت یکی از ضروریات مهم تحقق سند پیشرفت است و برای رسیدن به الگوی یاد شده همکاری حکومت مرکزی، دولت محلی و اقشار مختلف مردم نیاز است و این امر مهم یک اتحاد عمومی و آگاهی همگانی را احتیاج دارد و در ایجاد این مسئله مهم دولت محلی نقش پررنگ و برجسته ای دارد چون اگر در یک ملتی بیداری و روحیه خود باوری شکل بگیرد آن ملت قادر به طی کردن مسیرهای پیشرفت خواهد بود. نکته ای که شایان توجه است اینکه دولت محلی شکل گرفته در ایران باید با معیارهای درونی و الگوهای اسلامی-ایرانی مطابقت داشته باشد و منجر به توسعه محلی و ملی گردد. و نیز اینکه نباید در واگذاری اختیارات به دولت محلی دچار افراط و تفریط شد. چون پیامدهای مثبتی در پی نخواهد داشت در نتیجه وظایف حکومت مرکزی و دولت محلی باید در چهارچوب خاص و با تدابیر اصولی صورت گیرد تا خللی به امنیت ملی و روند توسعه کشور وارد نکند. فرجام سخن آنکه تحقق الگوی پیشرفت متکی بر عوامل گوناگون و همکاری سازمانها، نهادها و بخش های مختلف است و دولت محلی یکی از ابزارهای موجود است و هم چنان که می تواند فرصت های خوبی برای توسعه ایجاد کند، تهدیداتی را هم می تواند به دنبال داشته باشد، که با شناسایی نارساییهای موجود و شرایط کشور، از ضعف ها و تهدیدات مربوطه، می توان فرصت های جدید و بهتری برای پیشرفت پیدا کرد.

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشبران ما، چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیست و دومین و بیست و سومین خردادماه ۱۳۹۸

منابع و مآخذ

- آبیاری، منصور و مسعود نیا، حسین و شهرام نیا، امیر مسعود و حاتمی، عباس (۱۳۹۶)؛ نقش حکومت های محلی در فرآیند توسعه سیاسی مطالعه موردی: ایران، فصلنامه سیاست جهانی، دوره ششم، شماره اول.
- امید، علی (۱۳۹۲)؛ امنیت و توسعه پایدار و تقویت قانونمند حکومت های محلی در ایران، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال بیست و هشتم، شماره چهارم.
- بلباسی، میثم و اسفندیار، شهرام (۱۳۹۲)؛ هویت مطلوب در بستر الگوی بومی پیشرفت (با رویکردی بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران)، فصلنامه مطالعات ملی، سال چهاردهم، شماره چهارم.
- بذرافشان، فائزه و مهری، اسفندیار (1395)؛ ضرورت تشکیل دولت محلی در جهت دستیابی به توسعه پایدار، کنفرانس بین المللی معماری، شهرسازی، عمران، هنر و محیط زیست؛ افق های آینده، نگاه به گذشته، دانشگاه آزاد قائم شهر.
- حاجی حیدری، روح الله و جعفری نژاد، مسعود (۱۳۹۷)؛ نقش عدالت جغرافیایی در پیشرفت پایدار با تأکید بر سرانه شهروندی در الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، هفتمین کنگره الگوی ایرانی - اسلامی پیشرفت، اردیبهشت ۱۳۹۷ تهران.
- حافظ نیا، محمد رضا، پارسائی، اسماعیل و حسین پور پویان، رضا (۱۳۹۰)؛ بررسی تطبیقی تأثیر نهادهای محلی قبل و بعد از انقلاب اسلامی بر مشارکت شهروندی {مطالعه ی موردی: خانه ی انصاف و شوراهای حل اختلاف}، فصلنامه پژوهش های جغرافیای انسانی، شماره هفتاد و هفتم.
- حافظ نیا، محمد رضا و کاویانی راد، مراد (۱۳۸۳)؛ افقهای جدید در جغرافیای سیاسی، تهران: انتشارات سمت.
- خرابی، حسین (۱۳۹۷)؛ معیارهای عدالت فرهنگی، هفتمین کنگره الگوی ایرانی - اسلامی پیشرفت، اردیبهشت ۱۳۹۷ تهران.
- حجبی پناه، نرگس و تقی پور، آزاده (1395)؛ بررسی تطبیقی جایگاه دولت محلی در قانون اساسی کشورهای (ج.ا.ایران، روسیه و اسپانیا)، اولین همایش ملی آینده پژوهی علوم انسانی و امنیت اجتماعی، ایران.
- خوارزمی، امیدعلی و زرقانی، هادی و حجبی پناه، نرگس (۱۳۹۵)؛ به کارگیری نگرش سیستمی در تحلیل نقش عوامل اقتصادی - مالی در شکل گیری دولت محلی در ایران، فصلنامه جغرافیای سیاسی، شماره سوم.
- دلدار، محمدحسین (۱۳۹۶)؛ بازخوانی و نقد نظرات عدالت و تبیین الگوی مطلوب اسلامی (با تأکید بر مسئله عدالت جغرافیایی در اقتصاد اسلامی)، بلاغ مبین، شماره پنجاه و سوم.
- رجایی، محمد کاظم (۱۳۹۷)؛ معیارهای عدالت اقتصادی، هفتمین کنگره الگوی ایرانی - اسلامی پیشرفت، اردیبهشت ۱۳۹۷ تهران.
- زرقانی، هادی و خوارزمی، امیدعلی و حجبی پناه، نرگس (۱۳۹۴)؛ تحلیل سیستمی نقش عوامل جغرافیایی در شکل گیری دولت محلی در ایران، برنامه ریزی و آمایش فضا، دوره نوزدهم - شماره سوم.
- صبوری، منوچهر (۱۳۸۰)؛ بوروکراسی مدرن ایران، تهران، انتشارات: سخن.
- قالیباف، محمد باقر (۱۳۸۶)؛ حکومت محلی (استراتژی توزیع فضایی قدرت سیاسی در ایران)، تهران، انتشارات: امیرکبیر.
- قورچی، مرتضی و امانی، محمد (۱۳۸۸)؛ دیپلماسی شهری در فرآیند جهانی شدن، دانش شهر، تهران مرکز مطالعات برنامه ریزی شهری، شماره هفتم.

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

- موزن، شیوا (1395)؛ نقش چهار ستون اصلی دولت محلی و کارآمد بر توسعه و مدیریت برنامه ریزی شهری در ایران، اولین همایش بین المللی اقتصاد شهری (با رویکرد اقتصاد مقاومتی، اقدام و عمل).
- معلمی، مژگان (۱۳۸۹)؛ تأثیر توانمندی و کارآمدی دولت های محلی بر اجرای سیاست تمرکززدایی، فصلنامه اقتصاد تطبیقی، شماره: دوم.
- معلمی، مژگان و رنانی، محسن و سامتی، مرتضی (۱۳۸۶)؛ تمرکززدایی و منافع تشکیل دولت های محلی از منظر افزایش کارایی، فصلنامه تحقیقات اقتصادی، شماره: هفتاد و هشتم.
- کاویانی راد، مراد (۱۳۸۵)؛ نسبت عدالت جغرافیایی و امنیت ملی، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره: سی و دوم.
- محمدی، حمزه و مبارکشاهی، محمود (۱۳۹۳)؛ دولت محلی و اقوام (ارزیابی شهروندان استان کردستان از فعالیت شوراها به عنوان نماد دولت محلی و اثرات آن بر شرکت در انتخابات شوراها)، فصلنامه فرهنگی، ادبی، اجتماعی، شماره: هشتاد و ششم.
- نوروزی، مشیت اله (1388)؛ تشکیل دولت محلی گامی به سوی تحقق حقوق شهروندی، فصلنامه منظر، شماره: پنجم.
- وهاب نازاریان، محمد و محبوب، علی (۱۳۹۷)؛ حکمرانی خوب و زندگی روزمره در ایران: ضرورتی مغفول در الگوی پیشرفت ایرانی -اسلامی، هفتمین کنگره الگوی ایرانی - اسلامی پیشرفت، اردیبهشت ۱۳۹۷ تهران.
- ویسی، هادی (۱۳۹۲)؛ در آمدی بر دولت محلی، تهران، انتشارات: سمت.
- ویسی، هادی (۱۳۹۲)؛ بررسی الگوهای دولت محلی و تطبیق آن با شهرهای ایران، فصلنامه جغرافیا و توسعه، شماره: سی و سوم.
- ویسی، هادی (۱۳۹۲)؛ ارزیابی دولت محلی شهری در نظام سیاسی تک ساخت ایران، پنجمین کنفرانس برنامه ریزی و مدیریت شهری، دانشگاه پیام نور ایران.

-Stewart a John D(2008), The new government's policies for local government a Institute of Local Government Studies , Published online: 02 Jan 2008.